

درس دوازدهم: حکمت معاصر

۱. تفاوت عمده فلسفه در دوره معاصر با دوره های قبلی چیست؟ تفاوت عمده، همان ورود فلسفه های جدید اروپا به جهان اسلام و از جمله، به کشور ما می باشد.

۲. بازار مباحث فلسفی از چه زمانی وارد مرحله جدیدی شد؟ در چند قرن اخیر مکاتب فلسفی متعددی در اروپا شکل گرفت و توسعه یافت و تدریج از مرزهای اروپا فراتر رفت و به سایر جوامع، از جمله جوامع اسلامی وارد شد و بازار مباحث فلسفی را وراد مرحله جدیدی کرد.

۳. مکاتب فلسفی اروپا از چه دورانی وارد ایران شد و چه تأثیری بر دانشجویان گذاشت و چه فعالیتی را شروع کردند؟ با آغاز نهضت مشروطه به صورت گسترده ای شروع شد، کتب فلسفی فیلسوفان بزرگ اروپایی به زبان فارسی ترجمه شد. دانشجویانی برای آشنایی با فیلسوفان و مکاتب فلسفی اروپایی به آنجا رفتند و رشته های تحصیلی مربوط به فیلسوفان اروپایی در دانشگاه های ایران تأسیس گردید و بتدریج اساتیدی وارد آموزش فلسفه شدند که متخصص در تحلیل و تبیین نظرات فلسفی یک یا چند فیلسوف مشهور و بزرگ اروپایی بودند.

۴. نابسامانی های ایران بعد از سقوط دولت صفویه چه اثراتی بر حیات علمی و فرهنگی آن زمان گذاشت؟ این نابسامانی ها، حیات علمی و فرهنگی را بشدت ضعیف کرد و همه علوم، از جمله فلسفه را از رونق انداخت. لذا با اینکه در این ایام چند فیلسوف نام آشنا به تدریس فلسفه اشتغال داشتند، اما حیات فلسفی، شادابی چندانی نداشت.

۵. در اواخر حکومت قاجار چه تحولی در حوزه علمی و فرهنگی ایران رخ داد؟ در اواخر حکومت قاجار که یک جنبش فکری و اجتماعی در ایران شکل گرفت، در حوزه فرهنگ نیز جنب و جوشی پدیدار شد و مسئله های فلسفی جدیدی نیز مطرح گردید که زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.

۶. برخورد فلاسفه معاصر ایرانی، با فلسفه های جدید اروپایی به چه شکل بود؟ آنان تلاش کردند با بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.

۷. مکتب های بزرگ فلسفی در ایران را نام ببرید و مواجهه بسیاری از فیلسوفان ایرانی و مدرسان فلسفه در ایران با فلسفه ای اروپایی به چه صورت بود؟ بدین صورت بود که ۱. تلاش کردند با بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.

۲. از این رو تلاش کردند بار دیگر تدریس فلسفه را که به رکود گراییده بود، احیا نمایند و رونق بخشند و دوستداران فلسفه را با اندیشه های فیلسوفانی چون فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر و ملاصدرا آشنا سازند.

۳. آنان در همان حال می کوشیدند با بازسازی و نوسازی ذخایر فلسفی گذشته، فلسفه ای غنی تر و پربارتر که ناظر به مسئله های روز جامعه باشد، عرضه نمایند.

۴. کانون اصلی این فعالیت ها دو شهر قم و تهران بود. در شهرهای اصفهان و مشهد نیز حلقه های درسی در فلسفه تشکیل می شد و طالبان فلسفه در آن حلقه های درس حضور می یافتند.

۵. استادان برجسته فلسفه در عصر حاضر را می توان نام برد که به رونق فلسفه در ایران معاصر کمک کردند. از جمله این استادان، میرزا جهانگیرخان قشقایی، ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی آشتیانی، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، محمد مهدی الهی قمشه ای، سید محمد کاظم عصار، آیت الله محمد علی شاه آبادی و بالاخره امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی.

۸. حضرت امام خمینی (ره) در چه شرایطی تدریس فلسفه را در حوزه ها آغاز کرد و از جمله مهمترین آثار فلسفی و عرفانی او را نام ببرید؟ امام خمینی در شرایطی تدریس فلسفه را در حوزه ها آغاز کرد که بسیاری از بزرگان حوزه بشدت با تدریس فلسفه و به خصوص فلسفه صدرایی مخالف بودند و آن را فلسفه ای ضد دینی تقی می کردند. به همین جهت حلقه درس ایشان اختصاص به شاگردان نزدیک داشت و کمتر علنی می شد.

از جمله آثار عرفانی ایشان، تعلیقات بر شرح فصوص الحکم و مصباح الانس، مصباح الهدایه، اراده و طلب، شرح دعای سحر، سرالصلوة و آداب الصلوة.

نقل است که آن بزرگوار در تفکر فلسفی نبوغ خاصی داشتند و در تدریس حکمت متعالیه، بسیاری از مباحث صدرالمتألهین را با بیانی بی نظیر تفسیر عرفانی می کردند. قدرت علمی ایشان به گونه ای بود که در همان سنین جوانی کتاب هایی مانند اسفار ملاصدرا را تدریس کردند.

۹. امام خمینی چرا طلاب و همفکرانی را تربیت کردند و چه ویژگی هایی داشتند؟ امام خمینی که می دانست هر حرکت فکری و فرهنگی و یا انقلاب اجتماعی نیازمند یاران همفکر و همراه است تلاش کردند که طلاب مستعد و نو اندیش را تحت تربیت فکری و عملی خود قرار دهد و آنان را آماده ورود به فعالیت های فرهنگی و اجتماعی نماید. این طلاب که بعدها به شخصیت های درجه اول حوزه های علمیه تبدیل شدند، معمولاً در علوم عقلی و فلسفه متبحر بودند و مسائل فکری روز را می دانستند و برای ایجاد یک تحول فکری و فرهنگی پیش قدم بودند.

۱۰. علامه طباطبایی در چه علومی درجات عالی را پیمودند؟ فقه، فلسفه، کلام، ریاضیات و برخی علوم دیگر.

۱۱. علامه طباطبایی در عرفان و اخلاق، نزد کدام استاد مراتب سیر و سلوک را طی کرد؟ ایشان در عرفان و اخلاق به خدمت عارف بزرگ، میرزا علی آقا قاضی رسید و مراتب سیر و سلوک را طی کرد. از شاگردان ممتاز ایشان گردید. علامه طباطبایی، هر گاه از تهذیب نفس و سیر و سلوک معنوی سخنی بمیان می آمد، اظهار می کرد که ما هر چه داریم از مرحوم قاضی داریم، ایشان حتی روش تفسیری خود را که روش تفسیر قرآن به قرآن است، از مرحوم قاضی آموخته بود.

۱۲. علامه طباطبایی در ابتدای ورود به قم، اوضاع فرهنگی و فلسفی چگونه دیدند؟ ایشان در ابتدای ورود به قم، به بررسی شرایط علمی و نیازهای فکری و فرهنگی جامعه می پردازد و مشاهده می کند: اولاً: اندیشه های جدید و مکتب های فلسفی که از اروپا به ایران آمده، به خصوص تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم، در حال گسترش در جامعه است.

ثانیاً: حوزه های علمیه آمادگی لازم برای مواجهه با این افکار و اندیشه ها را ندارد و تدریس فلسفه و مباحث فلسفی که می تواند زمینه نقد و ارزیابی مکاتب و اندیشه های جدید را فراهم کند، رونقی ندارد و مورد استقبال مدیران حوزه قرار نمی گیرد و در برنامه طلاب جایگاهی ندارد.

۱۳. علامه طباطبایی پس از ورود به قم و بررسی شرایط حوزه و اوضاع فرهنگی ایران، آغازگر چه اقدامات مهمی بودند؟ آنها را نام ببرید. ۱. تدریس فلسفه، ناظر بر مسائل روز فلسفی. ۲. ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی

۴. تربیت شاگردان. احیای تدریس و تفسیر قرآن کریم.

۱۴. علامه طباطبایی کدام کتب مهم فلسفی را تدریس می کردند؟ ایشان علاوه بر تدریس شفای ابن سینا و اسفار ملاصدرا، تصمیم گرفت یک دوره فلسفه اسلامی را به سبکی که مسائل روز در آن طرح شده باشد، تدریس و تألیف کند

۱۵. حاصل جلسات فلسفی علامه طباطبایی کدام اثر فلسفی است و این اثر دارای چه ویژگی هایی می باشد؟ حاصل جلسات فلسفی علامه طباطبایی، کتاب « اصول فلسفه و روش رئالیسم » می باشد که شامل متن اصلی و پاورقی های توضیحی است. متن را علامه طباطبایی نوشته و پاورقی ها را استاد شهید مطهری که در آن جلسات حضور داشته، به اصل مباحث افزوده است.

۱. این کتاب در روشن کردن افکار طلاب و دانشجویان و دانش پژوهان تقشی تعیین کننده در تاریخ معاصر ایران داشته است.

۲. علامه طباطبایی و استاد مطهری در این کتاب نشان دادند که می توان از ذخیره فلسفی صدرایی بهره گرفت و متناسب با مهم ترین مسئله های فلسفی روز، مجموعه ای تألیف کرد که پاسخ گوی نیازهای ما در همین عصر باشد.

۳. ویژگی دیگر این کتاب که تا آن روز در حوزه فلسفه در ایران سابقه نداشت، نگاه تطبیقی به فلسفه بود، علامه و استاد مطهری در این کتاب تلاش می کنند که در مباحث مهمی مثل معرفت شناسی و وجود شناسی، دیدگاه های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست ها را با دیدگاه خود در فلسفه اسلامی مقایسه کنند و ارزیابی خود را ارائه دهند. این روش تألیف، در برخی از آثار استاد مطهری نیز ادامه پیدا کرد.

۱۶. مهمترین اثر قرآنی استاد علامه طباطبایی چه نام دارد و دارای چه ویژگی می باشد؟ تفسیر بیست جلدی قرآن کریم به نام «تفسیر المیزان». ایشان در این تفسیر، هر آیه از قرآن کریم را به کمک آیات دیگر تفسیر می کند و نشان می دهد که این کتاب آسمانی یک منظومه و یک مجموعه کاملاً منسجم است. ایشان علاوه بر این، برای تبیین بیشتر آیات و برای پیوند با مسائل روز، به مباحث مستقل فلسفی نیز می پردازد و مجموعه ای غنی از مباحث فلسفی را در کنار تفسیر آیات ارائه می دهد.

۱۷. هدف علامه طباطبایی از دیدار با خاورشناسان بزرگ در تهران چه بود؟ ایشان تلاش می کردند تا در تهران با خاور شناسان بزرگ و فیلسوفانی که برای تحقیق به ایران آمده بودند، دیدار و گفتگو کند و روح تفکر و فلسفه اسلامی و مذهب تشیع را به ایشان بشناساند.

به برکت همین فعالیت ها، آثار استاد به زبان های اروپایی برگردانده شد و جهان غرب با تفکر شیعی آشنایی بیشتری پیدا کرد

۱۸. هانری کربن از نظرات علامه طباطبایی در چه زمینه هایی استفاده کردند؟ هانری کربن از نظرات علامه طباطبایی درباره فلسفه، عرفان و مکتب شیعه استفاده کرد. حاصل مذاکرات کربن با علامه، دو جلد کتاب تحت عنوان «شیعه» و «رسالت تشیع» در دنیای امروز شد.

۱۹. چند تن از شاگردان مستعد و ممتاز علامه طباطبایی را نام ببرید؟ استاد شهید مطهری، شهید دکتر بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله محمد تقی مصباح و بسیاری دیگر از متفکران معاصر.

۲۰. یاران و شاگردان علامه طباطبایی چه نقشی در رشد فلسفه و سایر علوم اسلامی داشتند؟ این متفکران و اندیشمندان که بسیاری از آنان از یاران صمیمی امام خمینی بودند، بازوی فکری و فرهنگی نهضت اسلامی

امام خمینی را به وجود آوردند و صدها کلاس درس و کتاب های متعدد در زمینه فلسفه و سایر علوم اسلامی تألیف کردند و حیات فرهنگی نهضت را تغذیه کردند.

۲۱. یک فلسفه الهی و یک فلسفه مبتنی بر اصالت حس و ماده، چه سبک زندگی دارند؟ هر فلسفه ای سبک زندگی خاص خود را به دنبال دارد. به طوری که یک فلسفه الهی نظیر فلسفه افلاطون و فارابی رنگ و بوی معنوی و الهی به زندگی می بخشد و یک فلسفه مبتنی بر اصالت حس و ماده، سبک زندگی مادی را به ارمغان می آورد.

۲۲. ساختار و نظام فکری هر فرد را می توان به چه چیزی تشبیه کرد؟ اجزای این تشبیه را شرح دهید. ساختار و نظام فکری هر فرد، مشابه یک درخت است که دارای ریشه و شاخ و برگ و ثمراتی است. ریشه این درخت، مبانی فلسفی پذیرفته شده توسط آن فرد می باشد و سایر افکار و اندیشه های وی، از جمله نگاه او به زندگی، فرد، به سیاست و به خانواده، شاخ و برگ های آن درخت شمرده می شوند. از این رو به میزانی که آن ریشه کم عیب و سالم باشد، شاخ و برگ ها نیز قوی و محکم خواهند بود.

۲۳. افراد جامعه را از نظر درخت اندیشه اشان به چند دسته می توان تقسیم کرد؟ نام ببرید. به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱. کسانی که اهل اندیشه ورزی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده را برای خودشان ندارند. اینان زندگی اشان را به تقلید از دیگران می گذرانند و تصمیم گیری آنها تابع جو حاکم بر جامعه است.

۲. کسانی که وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار فلسفی هستند، اما هنوز آن افکار فلسفی به خوبی در آنها شکل نگرفته و هنوز نمی توانند میان آن افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. اینان، گاهی بر اساس افکار خود تصمیم می گیرند و گاه بیرون از آن. اینان در حال رشد و پیشرفت هستند.

۳. برخی از افراد در انتخاب ریشه درخت و پایه نظام فکری خود دچار خطا و اشتباه شده و ریشه ای ناکارآمد و ناسالم در زمین قرار داده اند و در نتیجه، به یک سبک زندگی معیوب و ناسالم رسیده اند.

۴. گروهی از افراد نیز هستند که هم ریشه درخت فکری را به درستی انتخاب کرده اند و پایه های استواری برای نظام فکری خود ساخته اند و هم با دقت و تأمل فراوان و با عقلانیت بالا، شاخ و برگ های سالم و قوی و استواری از آن ریشه استنباط و استخراج کرده اند. در نتیجه، وقتی که به طور مثال، درباره فرهنگ صحبت می کنند، مخاطب فهیم می داند که این سخن دقیقاً برگرفته از مبانی فلسفی اوست و به همان ریشه باز می گردد.

۲۴. بگویند که سبک زندگی کدام دسته از افراد بر اساس تقلید از دیگران شکل می‌گیرد؟ کسانی که کمتر اهل اندیشه‌ورزی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند. تصمیم‌گیری آنها تابع جوّ حاکم بر جامعه است.

۲۵. سبک زندگی استاد مطهری از نظر درخت اندیشه اشان شبیه به کدام دسته یا گروه می‌باشد؟ به عبارت دیگر، نظام فکری و عملی ایشان چگونه بوده است؟ سبک زندگی و آثار مکتوب و غیر مکتوب شهید مطهری نشان دهنده آن است که ایشان نمونه عالی و برجسته گروه چهارم می‌باشد و موفق شده بر اساس عمیق‌ترین اندیشه‌های فلسفی که با نبوغ فکری خود از دو استاد و حکیم بزرگ معاصر آموخته بود و با تفکر در قرآن کریم و سخنان معصومین کسب کرده بود، یک نظام فکری و عملی خردمندانه را سامان دهد. این نظام فکری و عملی در عین اتکا به میراث ماندگار تمدن اسلامی، پاسخگوی نیازهای زمان و عصر حاضر ما می‌باشد و ما می‌توانیم تأثیر دیدگاه‌های فلسفی ایشان را در آثاری که در رابطه با زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه نوشته است، به خوبی مشاهده کنیم.

کاری از نگار مشایخی. دبیر منطق و فلسفه و کنکوری مدرسه نمونه فرهنگ مهشید مصلی نژاد
و مدارس فرزنانگان یک و دو و چهار نواحی مشهد. خرداد ۱۴۰۲